

طرح

پریان شناسی شعر کُردی هورامی

از ابتدا تا به امروز

تحقیق و تألیف:

عادل محمدپور



محمّدپور، عادل ۱۳۳۶.
 طرح: جریان‌شناسی شعر کُردی هورامی از ابتدا تا به امروز / تحقیق
 و تالیف عادل محمدپور، کُردی
 تهران: نشر احسان، ۱۳۹۲.
 ۲۱۰ ص.

شابک: ISBN: 978-964-356-888-7

فیا

یادداشت: کتاب‌نامه: ص (۲۰۶) - ۲۱۰؛ همچنین به صورت زیر نویس
 موضوع: شعر اورامانی -- تاریخ و نقد.
 موضوع: شعر کُردی -- تاریخ و نقد.
 رده‌بندی کتبی: ۱۳۹۲ م ۸۳۳ الف / BJR۳۲۵۶
 رده‌بندی دیویی: ۸۴۹/۲۱۰۹
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۳۰۵۹۰

طرح

جریان‌شناسی شعر کُردی هورامی از ابتدا تا به امروز

- + نویسنده: عادل محمدپور
- + ناشر: نشر احسان
- + طرح روی جلد: سعید سبحانی
- + حروفچینی و صفحه‌آرایی: عادل محمدپور (نویسنده)
- + چاپخانه: مهارت
- + نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲
- + تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
- + قیمت: ۷۰۰۰ تومان
- + شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۶-۸۸۸-۷



نشر

فروشگاه:
 تهران، خ انقلاب، روبروی دانشگاه.
 مجتمع فروزنده، شماره ۴۶
 تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴

□ فهرست

پیشگفتار..... ۷

□ فصل اول

زبان و شعر هورامی قبل از اسلام..... ۱۳

□ فصل دوم

ادوار شعر هورامی پس از اسلام..... ۲۱

دوره اول: اولین شعر هجایی هورامی و ۲۲

هرمزان: اولین شعر مکتوب هورامی..... ۲۳

دوره دوم: شعر یارسان و غزلویات اورامن..... ۳۰

اورامن (ملفوظات غزلوی): گونه دیگر شعر هجایی هورامی..... ۳۴

باب غاهم میراثی مشترک و ماندگار غزلویات ۳۸

برمقی از شاعران دوره دوم..... ۴۳

دوره سوم: بیسارانی: نمود فلاقیبت در ریتیم و انسجام شعر هورامی..... ۵۳

شاعران مشهور دوره سوم: نمود فلاقیبت، ریتیم و انسجام..... ۶۳

دوره چهارم: صیدی هورامی، تداوم و تنوع جریان نغمه هورامی ۷۲

شاعران دوره چهارم: تداوم و تنوع شعر هورامی..... ۸۸

دوره پنجم: مولوی تاوه‌کنزی؛ تلفیق و انسجام ۹۴

شاعران دوره پنجم؛ هم عصر مولوی، تلفیق و انسجام در فرم و محتوا ۱۰۸

دوره ششم: دوره بعد از مولوی و شاعران تالی و تابع مولوی ۱۳۹

اسامی برخی دیگر از شاعران تابع و تالی مولوی ۱۵۷

□ فصل سوم

جمع‌بندی ویژگی‌ها و شاخص‌های سبکی ادوار شعر کلاسیک هورامی ۱۵۹

□ فصل چهارم

تغیول در سافت، صورت و محتوای شعر هورامی ۱۷۳

هنگار شکنی در قالب و وزن شعر کلاسیک هورامی ۱۷۶

طرحی دیگر در شعر و چشم به فرا سو ۱۸۴

نمونه‌هایی از شعر شاعران امروز هورامی ۱۸۵

جمع‌بندی ویژگی‌های جریان شعر امروز هورامی ۲۰۷

کتاب‌شناسی (مراجع و منابع فارسی و کردی) ۲۱۳

پیش گفتار

قبل از اسلام متنی و یا سندی مشخص در دست نیست تا بتوان به ماده زبان و شعر هورامی استناد و یا احتجاج کرد؛ اما بنا به وجود مجموعهای از عناصر واژگانی به جا مانده در متون زبان‌های (وستاء، گورس قدیم، پهلوی شمالی، میانه و...) که با زبان گوردی هورامی اشتراک لفظی و محتوایی دارند؛ می‌توان این زبان را هم‌ریشه و هم‌تبار این گونه زبان‌ها دانست. برخی شون موجود در اوایل اسلام نیز مبین دلالت‌گر صورت تحول یافته «زبان و شعر هورامی» بعد از اسلام است، ولی با توجه به عدم انطباق و بی‌افقد سنخیت آن با ظهور دین اسلام و انتساب مجوس بودن (گاور) به آن‌ها، بعداً این دو مقوله تخریف و به شکل دیگری درآمده و از آن هنگام به بعد تحت نام «گوران»^۱ معروف شده‌است. هر چند در مستندات تاریخی از

۱- شول‌شناسان، مورخان، ادیبان و حتی نظرات رایج، شعر و ادب هورامی را تحت نام شعر و ادبیات گوران، شناسند و با می‌شناسانند (نگرید به وی. مینورسکی، گردان، پادداشت‌ها و خاطره‌ها، ص ۱۸ و شرف‌خان بدلیسی، شرفنامه، ۱، مسکو، صص ۳۷۰-۳۶۹، انور سلطانی، که تنکوله شیعیکی گوردی گودانی (۵۳-۴۳)، اما با توجه به عناصر زبانی منبوط و مقبوض در متون شاعران؛ باید گفت گوران وجه تخصصی از وجه عموم سریان و جریان زبان و شعر هورامی است. می‌دانیم کاربرد اصطلاح گوران برای مدلولات کلی، آیینی و اجتماعی کار گرفته شده‌است، و این مقوله در برهه‌ی زمانی خاص از برخورد دو فرهنگ متفاوت (اسلام و زردشتی) به وجود آمده و به سر زبان‌ها افتاده است. عدم سنخیت مردم آن سامان با ظهور دین اسلام، زبان و فرهنگ آن‌ها را به جانش کشیده است. هر کس جز این آیین می‌بود، به آن‌ها صفت «مجوس» گاور، داده می‌شده‌است. بعید نیست که اصطلاحات و گورده واژگانی (گمیر، گمور، گمورم، گماور، گوران و گمورانی) از این امر ناشی شده باشد. فلذا به کارگیری و انتساب گوران برای مباحث منطقی-توریکی، روند ادبی و شناساندن دوره‌های شعر هورامی، آن‌ها با دید سبک‌شناسی و با نواهند رنده و عینی آن دو دوره‌های متوالی تاریخی، از نظر روش‌شناسی چندان منطقی و علمی به نظر نمی‌رسد. اگر به شاخص‌های ساختار متون به جا مانده شعر این مناطق با دید علمی و متفادانه نگریسته شود؛ دریافت می‌شود در

گوش‌های زبانی مردم گوران که به گونه‌های مختلف مثل اشبک، زنگنه، باجیلان، کاکه‌بی، شیخانی، زازا، لکی، کلهر و... دیده شده‌اند و به غلط به «ماجوه زبان» هم که اصطلاحی عامیانه و به دور از وجهه زبان‌شناسانه است؛ مشهور شده‌اند، اختلاف وجود دارد. ماهیتاً میان مقوله شعر و ماده زبان آن‌ها تفاوت‌های بالقول و آشکاری دیده می‌شود. متون شعری به جا مانده از آنان حاکی از این امر عینی و بدیهی است که پیوند ساختاری بین زبان و گویشی و آثار شعری شاعران بسیار ضعیف است. چرا که «اورامی» به دلیل وجود فعل‌های دشوار و واژگانی نزدیک به صورت اوستایی، سرودن شعر را برای کسانی که خود اورامی زبان نبودند، دشوار می‌ساخت؛ این شاعران که به گویش‌های لکی، کلهری، ملبی، بابلی و... تکلم می‌کردند، برای سرودن «واژه» یا شعر - هنگامی که توانایی استفاده از فعل و یا اسمی در اورامی دشوار را در خود نمی‌دیدند - معادل آن را در گویش خود به کار می‌بردند. به عنوان مثال مصدر «رفتن»، در گویش اورامی «لوی» - *liwā* - و در لکی و کلهری «چین» - *čīyēn* - است؛ در این شعر اورامی (قرن هشتم هجری):

می سانه بلق تو پری گیلان / تهرک کهره ماوای شیخان و سیروان
(تبریزی کوندی، ۱۳۸۱: ۶۲)

ترجمه: اکنون به طرف سرزمین گیلان برو، و ماوای شیخان و سیروان را ترک کن.

و در این شعر گورانی (اوایل قرن دوازده هجری):

مەجۆو وە ماوای کوردان پایین / حەق حەق داران مەسانوویە قین
(خان‌الماس، ۱۳۷۶: ۶۰)

ترجمه: به سمت سرزمین کوردان پایین دست می‌روود و یقیناً حق‌ظالمان و حق‌داران را می‌ستاند.

در شعر اول «بلو» - *bilo* - اورامی در معنای «برو» و در شعر دوم (که گورانی بود) «مەجۆو» - *mačū* - در معنایی «می‌روود» به کار رفته است. که در مثال، علاوه بر جایگزین شدن مصدر «چین» به جای مصدر «لوی»، مصوت /*o*/ نیز به مصوت /*ā*/ تغییر یافته است؛ پس در گویش گورانی واژگانی که بدین گونه هستند، همگی با مصوت /*ā*/ نوشته می‌شوند. به نظر می‌رسد آن دسته از شعرهایی که شاعران اورامی زبان سرودده‌اند، «اورامی» و شعر آن دسته از شاه‌عزازی را که به گویشی دیگر غیر از تکلم می‌کرده‌اند، ولی به اورامی شعر می‌سرودند، «گورانی» نامیده باشند. (حسینی، زیربار ۲۸/۷۴-۲۷). بنا بر این مستند ادبی مشخص شد که زبان گویشی گوران‌ها با زبان شعری آنان که «اورامی» بوده است تفاوت‌هایی وجود دارد و در متون به جای مانده‌ی آن‌ها این امر مشهود و محسوس بوده است. در صورتی که گره پیوستگی شیوه سرودن آن‌ها در طول چهارده سده‌ی متوالی، عنصری به نام «زبان گرم» و «زبان سبک» «اورامی» اورامی» در پس از اسلام بوده است، یعنی این عنصر سبکی در فرآیند شعر مذکور هم در ظرف ساخت و هم در «روساخت» همواره مشهود و محسوس بوده و در دوره‌های بعد آن‌را وسعت بخشیده‌اند. اگر هم انتساب «گوران» به دیگر گونه‌ها صائب به نظر برسد؛ اما اطلاق آن به شاعران و گویندگان «اورامی» درست نیست. به همین دلیل سعی شده است در طرح مباحث تنویریکی این کتاب کمتر اصطلاح «گوران» به کار گرفته شود و ترجیحاً از گونه صائب زبان و شعر گردی «اورامی» استفاده شود که علمی‌تر، ادبی‌تر و سبک‌شناسانه‌تر به نظر می‌رسد. اما به هیچ وجه وجود «گوران» به عنوان پدیده‌ای برساخته و اصطلاح رایج دینی و فرهنگی و چنان یک «است ادبی» انکار نمی‌شود.

عنوان زبان کردی هورامی یاد نشده ولی متون «شعر» آن در طول (۱۴ قرن) متمادی، می تواند تبلور تاریخ زبان، فرهنگ و ادبیات هورامی باشد. «مورترگان، شعر آیینی یارسان، ملحونات قهلوویات، جامه های بیسارانی، صیدی، مولوی، احمد بیگ کوماسی» و حضور صدها دواوین شعر دیگر هورامی از نیمه قرن دوم تا عصر حاضر مصادیقی برای چنین دیدگاهی است.

زبان کردی هورامی چند سده پیشتر از «خاندان اردلان»^۱ هم نشانه هایی از حیات متداوم و صیورت زمانی داشت، اما در زمان آنان به شیوه رسمی مطرح و به عنوان زبان «ادبی- دیوانی» اهمیت ویژه پیدا کرد. لاجرم با چنین ظرفیت هایی می زبید با متدولوژی خاص خود، تحلیل و بررسی شود. با ویژگی های منحصر به فرد که دارد و نیز علی رغم اشتراکات تاریخی با زبان فارسی و دیگر گویش های کردی؛ دوره بندی نمودن آن بر اساس سبک های رایج «دوره ای-جغرافیایی» شعر فارسی (خراسانی، عراقی، هندی، بارکشت) به لحاظ روش شناسی چندان مناسب به نظر نمی رسد. زیرا این سبک ها هر کدام محصول تعامل مراکز ادبی دربارها و برآیند شرائط و اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی زمان و مکان خود بوده اند. خراسانی در مشرق و عراقی در مرکز ایران در چنین فضایی به نشو و نما پرداخته و شاعرانی مثل رودکی، فردوسی، عتصری، سعدی، حافظ و ... در آنها به رشد و بالندگی رسیده اند.

پروسه ساخت شعر فارسی از قالب قصیده، سادگی زبان و محتوا، مدح و ستایش امراء و سلاطین، زمینی بودن معشوق (سبک خراسانی) به قالب غزل، پیچیدگی محتوا و صناعت شعری، پختگی زبان، آسمانی بودن معشوق (سبک عراقی)، و اسلوب معادله، کفرگویی و معماپردازی های (سبک هندی) و ... سیر کرده

۱- اردلانی ها به مدت هفت سده از زمان اینچنان منول تا دوره قاجاریه در کردستان حکمرانی می کرده اند.

و دوباره تحت شرائطی به مؤلفه‌های گذشته بازگشت (دوره بازگشت) و به مشروطه، تجدیدگرایی و سرانجام تحول نوگرایی و شعر امروز دست یازیده‌است.

حال آن که شعر هورامی در طول حیات خود غالباً شکل و قالب سرایش شعر ثابت بوده (بس‌آمد با مثنوی بوده) و محتوا و صنعت بدیع در همان حوزه «ساده‌سرایی، اِجَاز، آوردن خُرده مضامین و توجه به اصل تنوع ادبی و...» باقی مانده است. این روی کرد را می‌توان در عناصر شعری و صَوَر خیال این جریان بعینه مشاهده کرد. اگر چه زبان گُردی هورامی خود مدت‌ها زبان «ادبی - دیوانی» بوده، اما شاعران شاخص دوره‌ها به طور نسبی کمتر از شرائط سیاسی زمان خود متأثر شده‌اند بلکه از سیر انقیاس و تمسک به سلوک و مکاشفه فردی به یک سبک شخصی منحصر به خود در سرودن شعر دست یافته‌اند؛ تالبان و دنباله‌روان هم شیوه‌های رایج آنان را تقلید و اقتباس کرده‌اند؛ به این دلیل است که این منهج ادبی در خط متوالی و مترتب زمانی یک دست و یک تراخت سیر کرده است.

از نگاه نگارنده این مؤلفه ادبی است که بیش از هر چیز دیگر این شعر را با شعر فارسی متفاوت ساخته و باعث شده از سبک‌های دوره‌ای رایج در شعر فارسی تبعیت نکند و خود دارای یک سنت ادبی منحصر و واجد ساختاری ماهوی و مستقل باشد.

چنان که گفتیم «پابندی به سنت دیرینه ادبی، تقلید از شاعران تأثیرگذار، عزلت و انزوا، محدودیت منابع، فقر ارتباطات و تفاوت ساختاری با سایر گویش‌های گُردی و...» در عدم یکنواختی قُرم، محتوا و جهان بینی شاعران کلاسیک هورامی بی تأثیر نبوده است این علل و عوامل باعث شده غالباً شاعران کمتر از شرائط بیرونی هورامان و گردستان تأثیر بپذیرند و بیرون‌گرایی آن‌ها ملهم از طبیعت هورامان و فضای بومی و سنت رایج ادبی آن منوط و محدود شود. اما هدف نگارنده در طرح مباحث تنوریکِ این کتاب:

۱) انگیزه اصلی تنها نگاشتن تاریخ ادبیات صرف و زندگی نامه شاعران نبوده بلکه رهبرد اصلی، در انداختن «طرح»ی با «تحقیق و کنکاش» در چگونگی شکل گیری خاستگاه و منشأ جریان شعر گردی هورامی و سرانجام ارانه طبقه بندی تاریخی آن تا به امروز بوده است.

پاره ای از مطالب این کتاب جسته و گریخته در کتاب ها و مقالات دیگر نگارنده به زبان کردی اشاراتی شده است. اما در «طرح» سعی شده است به طور منسجم؛ دقیق تر و فراگیر تر برای نخستین بار به فرآیند جریان شعر هورامی و تحلیل مباحث تنوریکی آن با چاشنی و تلفیق موضوع های «سبک شناسی، زبان شناسی و تاریخ ادبیات» برای مخاطبان «ارسی زبان علی الخصوص دانشجویان و محققان ادبی که خلأ آن کاملاً احساس می شد؛ پرداخته شود. بدین نسق و برای تحقق چنین امری، دو عامل ویژگی های شعری و برجستگی های زبانی، ادبی و فکری شاعران کاربزمه و تاثیر گذار و «ترتیب و توالی زمانی» شاعران هم عصر و تالی - تابع» را در طرح تبیین و تفکیک دوره ها مورد توجه قرار گرفته و آن را «اساس شاخص» های دوره قرار داده و به شاعران دوره ها تا آن جا که در تذکرها و منابع موجود بوده اختصاراً به شرح احوال آن ها پرداخته و تا حد امکان و به جهت اجتناب از تکرار مکررات، به طور اجمال به معرفی نمونه شعر و یاد دست کم به اضمح و تاریخ آن ها اشاره کرده و ویژگی های ادبی، زبانی و فکری این جریان مداوم را جمع بندی نموده است؛ تا بتوان از این طریق به یک برداشت جامع، مانع و فراگیر تاریخی دست پیدا کرد. شاید این روش هم دقیق به نظر نیاید اما فعلاً جز این، راهی دیگر وجود نداشته است.

۲) میر تظفور تاریخی جریان شعر هورامی برای تبیین ادوار آن؛ بیشتر از این سطور را می طلبد؛ اما این مقدار تنها برای جریان شناختی و ارانه طرح طبقه بندی

شده‌ی شعر گُردی هورامی و نگاهِ مختصرگونه به مباحثِ تنویریک و موضوعاتِ ادبی شاعران بوده؛ بدینسان با همین کمیت بسنده شده است.

(۳) با چنین نگرشی در این نوشتار، شعر گُردی هورامی را ابتدا به دو جریان دوره عمده قبل از اسلام و بعد از اسلام تقسیم نموده و سپس به تحلیل دوره‌های منشعب از آن‌ها پرداخته شده است.

www.ketab.ir